ارتکاز تعلق حکم به موضوعات؛ ارتکاز ابتدائی تعلق حرمت ثبوتی به صوم فطر

(11:17)

خب این عدم بازتاب سؤال در فقه، کاشف از یک کلمه است. اینکه در کنار ارتکازی که می‌گوییم داریم که روزه اول ماه حرام است، یک ارتکاز متشرعه هم بوده که وقتی می‌گفتند «افطر للرویه» دلت جمع باشد، دلش جمع می شده. یعنی در بدنه آنها نمی گفتند شاید فردا عید باشد و بر من حرام است. اگر ارتکازش این بود که الآن من دارم کار حرامی انجام می‌دهم، این دَوَران در ذهن بدنه عرف، محرکی بود که حداقل یک سؤالی بپرسند. و این سؤال بازتاب نداشته. این ترک سؤال و قانع شدن به بیانات استصحابی، [نشان از آن ارتکاز دوم است]. استصحاب معمولاً در دوران بین محذورین نیست. هر کجا استصحابی بیاوری، طرف بین محذورین باشد، به‌خصوص استصحاب اماری نه، [بلکه] استصحاب عملی محض باشد، یعنی من یک جوری شده که به شک افتاده ام. این طرفش واجب است و آن طرفش حرام است، استصحاب می‌کنم و دلت جمع باشد! اینطور نمی‌شود.

خب اگر به این صورت است، این کاشف از این است که باز عرف متشرعه در همین حرمت، یک تبادر و ارتکازی داشته‌اند. خب اگر این را پذیرفتیم تحلیلش چیست؟ چطور می‌توانیم بگوییم متشرعه در اینجا دو ارتکاز داشته باشند؟ ارتکاز حرمت صوم اول شوال و ارتکاز اینکه وقتی استصحاب کنیم می‌گوید دلمان جمع است. حرمت ثبوتی مدام به ذهنش لگد نمی‌زند که داری خلاف دستور خدا را انجام می‌دهی. این ارتکاز را نداشتند، و الا یک سؤال می‌شد. اگر این باشد، محملش چیست؟ شبیه محمل صحیح و اعم است که مفصل صحبت کردیم. چرا علماء دو تبادر را ادعا کرده‌اند؟ اگر این دو تا سر برسد، محملش این است:

ببینید اصل در وضع حکم این است که حکم روی نفس موضوع می‌آید. اصل بر این است که حالات در ترتب حکم بر موضوع دخالتی ندارند. اگر یک جایی دلیل خاصی باشد، می‌گوییم اینجا از ادله استظهار می‌شود که دخالت دارد. مثلاً اگر بگویی یک چیزی نجس است، می‌گویی این چیز نجس است و تمام. نه اینکه وقتی دانستی خمر است، آن وقت نجس است. خمر نجس است، بدانیم یا ندانیم. این چیست؟ ارتکازی است از انس به اصل تقنینی و ترتب حکم. اصل بر این است. باید دلیل خاص بیایی تا ذهن را از این اصل منصرف کند.

بازبینی #1
ایجاد شده 5 فوریه 2026 12:16:31 توسط ... .
به روزرسانی شده 5 فوریه 2026 12:17:11 توسط ... .